

## متن کامل بیانیه کمیسیون فین تک سازمان نصر تهران درباره تحولات اخیر علیه بیت کویین و رمزارزها

اخیرا به دلایل نامعلوم هجمه علیه فعالین بیت کویین و دیگر رمزارزها (آلت کویینها) بالا گرفته است. متاسفانه با استناد به موارد قانونی نامعلوم و کتمان همه فعالیت‌هایی که در جهان در زمینه رگولاتوری بیت کویین و رمزارزها انجام شده است، و با استناد به مواردی مانند نوسان قیمت بیت کویین، برخی سعی در حذف فعالین و هرگونه فعالیت قانونی در این حوزه دارند. اگر این تلاش‌ها را کنار فعالیت‌هایی که برای شکل گرفتن انحصار در این زمینه‌ها شروع شده قرار دهیم ماجرا روشن‌تر می‌شود. پیش از این هم در سال‌های گذشته با تصمیم‌های یکجانبه و بدون مشورت کارشناسان و خبرگان اقتصاد دیجیتال، مصوبه‌هایی نوشته شد که صنعت ماینینگ در کشور را به کما برد و متاسفانه دست برخی از انحصارگران را در این حوزه به کلی باز کرد. ماینینگ خانگی و به دور از چشم رگولاتور از اثرات جانبی مصوبه‌های دولت در زمینه ماینینگ بود. این در حالی است که در شرایط فعلی کشور و تحریم‌های همه جانبه حاکم بر ایران و مشکلات اقتصادی موجود، صنعت کوچک ماینینگ، از جمله درچه‌هایی بود که می‌شد از آن بهره‌برداری کرد.

فشارهایی که اخیرا و هم‌زمان با افزایش قیمت جهانی بیت کویین رخ داده است در صورتی که منجر به اقدامات شتابزده شود در نهایت نه تنها راه را برای رشد فعالیت‌های قانونی در این زمینه‌های جدید از فعالیت‌های اقتصادی می‌بندد بلکه به مثابه انداختن فرش قرمز جلوی پای کسانی است که به دور از نظارت رگولاتور و به صورت زیرزمینی فعالیت می‌کنند.

در صورت توسعه متناسب این بخش جدید در اقتصاد شاهد شکل گرفتن اکوسیستمی خواهیم بود که حول این مفهوم خلق می‌شوند؛ دنیای توزیع شده و دارایی‌های دیجیتال همراه با خود فعالین اقتصادی جدیدی را به اقتصاد کشور اضافه می‌کنند. این بخش شامل ارائه‌دهندگان زیرساخت، صرافی‌ها، ماینرها و نودها، کارآفرینان و سرمایه‌گذاران، پژوهشگران و اینفلوئنسرها، پذیرندگان، توسعه‌دهنده‌ها، سرویس‌دهنده‌های پرداخت و کیف پول‌ها است.

مهم‌ترین تهدید در زمینه دارایی‌های دیجیتال در دو موضوع خلاصه می‌شود:  
۱. رویکرد تقابلی حاکمیت و عدم تدوین چارچوب‌های دقیق و شفاف برای کنترل و بهره‌برداری از این حوزه. در این زمینه در ضمیمه این بیانیه به صورت کامل توضیح

داده شده است که رویکرد نادیده گرفتن یا تقابل با دارایی‌های دیجیتال چه مضراتی دارد.

۲. مهم‌ترین چالش در زمینه سواد مالی مردم است؛ در حال حاضر به دلیل شمول مالی پایین و سواد مالی پایین شاهد این هستیم که بسیاری در زمینه کلاس‌های دارایی معمول نیز دانش اندکی دارند؛ پیچیدگی‌های مالی در دنیای دارایی‌های دیجیتال بسیار بیشتر از کلاس‌های دیگر است و در صورت عدم آموزش کافی شاهد کلاهبرداری‌های گسترده در این فضا خواهیم بود. به عبارتی بلاکچین، رمزارزها، کیف‌پول‌ها و صرافی‌ها در حال حاضر مشکل ندارند. این بازیگران در این اکوسیستم فعالیت می‌کنند ولی برخی می‌توانند از خला‌های قانونی استفاده کنند و کلاهبرداری کنند. به‌های دیجیتال داشته باشیم.

در این زمینه لازم است یادآوری کنیم که بحران مالی سال ۲۰۰۷ نشان داد که سیستم اقتصادی موجود از ناکارآمدی‌های درونی رنج می‌برد. کارکردهای سه گانه پول یا ارز، شامل ذخیره ارزش؛ ابزار مبادله و واحد اندازه‌گیری است. با نگاهی به این کارکردها ریال امروز چه وضعیتی دارد؟ آیا ریال توانسته در زمینه ذخیره ارزش و واحد اندازه‌گیری عملکرد مطلوبی داشته باشد؟ چگونه می‌توان محدودیت‌های ذاتی پول را مدیریت کرد؟ بنابراین استناد به این که ریال پشتوانه دارد ولی بیت‌کوین پشتوانه ندارد نمی‌تواند مانعی از تجربه حوزه‌های جدید اقتصادی باشد. با این حال یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در زمینه دارایی‌های دیجیتال این است که بتوانیم هم ریال را داشته باشیم هم دارایی‌های جدید را به رسمیت بشناسیم و از منافع آنها استفاده کنیم. در این زمینه مدتی است که مفاهیمی مانند ارز دیجیتال بانک مرکزی (CBDC) مطرح شده است. ولی نباید این موضوع را با ایجاد انحصار برای افراد خاص اشتباه بگیریم.

در پایان از رگولاتورهای پولی و ارزی کشور و دیگر رگولاتورها درخواست می‌کنیم با تصمیم‌های ناگهانی زمینه نابودی یک حوزه جدید اقتصادی را فراهم نکنند. اجازه دهیم فعالین اقتصادی با ریسک خودشان زمینه رشد و توسعه اقتصادی را فراهم کنند و از رگولاتور می‌خواهیم با تدوین و انتشار قوانین مستند و مکتوب زمینه فعالیت‌های قانونی در این زمینه را فراهم کنند. وگرنه برخورد با حوزه‌های جدید صرفاً منجر به فرصت‌سوزی می‌شود و این راه را بارها تجربه کرده‌ایم.

کمیسیون فین‌تک همچنین در حال تدوین و انتشار فهرست فعالین اکوسیستم دارایی‌های دیجیتال ایران است. در همین راستا از همه فعالینی که در یکی از زمینه‌های ارائه‌دهنده زیرساخت، صرافی، ماینینگ (و نودها)، کارآفرینی و

سرمایه‌گذاری، پژوهشگری و اینفلوئنسری، پذیرندگی، توسعه‌دهنده و برنامه‌نویسی و تولید نرم‌افزار و سرویس، سرویس‌دهنده پرداخت و کیف پول یا هر زمینه مرتبط دیگر فعالیت می‌کنند می‌خواهیم که موجودیت خود را به این کمیسیون اعلام کنند. این کمیسیون در کنار دیگر نهادهای صنفی تلاش می‌کند حامی منافع فعالین قانونی این حوزه باشد.

کمیسیون فین‌تک سازمان نصر تهران برای ساماندهی رمزارزها (کریپتوکارنسی‌ها) در اقتصاد دیجیتال و اقتصاد هوشمند و برای توسعه پایدار کشور، در راستای وظیفه و رسالت قانونی خود، پیشنهادهایی را آماده کرده است و نکاتی چند را به استحضار می‌رساند که امید است به وضع و اجرای کارآمدتر و اثربخش‌تر تدابیر و تمهیدات حاکمیتی این حوزه کمک نماید؛ به دلیل طولانی شدن این پیشنهادها ضمیمه این نامه آمده است.

امید داریم این بار از فرصتی که در زمینه اقتصاد دیجیتال فراهم شده بهره‌برداری کنیم و فرصت‌ها را به تهدید تبدیل نکنیم.

## **کمیسیون فین‌تک**

### **سازمان نظام صنفی رایانه‌ای استان تهران**

## ضمیمه بیانیه کمیسیون فین تک سازمان نصر تهران درباره تحولات اخیر علیه بیت‌کوین و رمزارزها

دارایی‌های دیجیتال با گسترش و توسعه فناوری نقش جدی در فضای زندگی روزمره پیدا کرده‌اند. دارایی‌های دیجیتال انواع گوناگونی دارند ولی آن نوعی که مبتنی بر بلاکچین و دفاتر کل توزیع شده هستند را رمزارزش (CryptoAssets) می‌نامیم. رمزارزش سه دستی کلی دارد:

۱. کریپتوکارنسی یا رمزارز که شناخته‌شده‌ترین نوع دارایی‌های دیجیتال است. معروف‌ترین گونه‌های آن نیز بیت‌کوین و اتریوم هستند.
۲. کریپتو توکن که در واقع توکن‌هایی نماینده ارزش هستند. یکی از انواع این نوع توکن‌ها، توکن‌های احراز و تایید هویت (KYC) است. توکن‌های KYC کاربرد مالی ندارد و نماینده هیچ نوع دارایی فیزیکی نیست؛ بلکه به نوعی نماینده یک دارایی ناملموس مانند هویت است.
۳. کریپتو کامودیتی: آن نوع از توکن‌هایی هستند که پشتوانه آنها دارایی فیزیکی است. این نوع از دارایی‌های دیجیتال قابلیت پرداخت و کاربردهای مالی هم دارند.

اگر تا پیش از این دارایی‌های فیزیکی مانند ملک و زمین، خودرو، طلا و سکه، ارزهای خارجی مانند دلار و یورو و کسب‌وکار و سهام در بورس جزو دارایی محسوب می‌شدند اکنون دارایی‌های دیجیتال نیز جای خود را در کلاس‌های دارایی یافته‌اند و نمی‌توان نسبت به آنها بی‌تفاوت بود. در حال حاضر به دلیل این که ساختارهای حقوقی و قانونی کشور مبتنی بر دارایی‌های فیزیکی است در این زمینه چالش‌های بسیاری داریم و در صورتی که رویکرد تدافعی و تقابل را انتخاب کنیم منجر به این خواهد شد که بازارهای زیرزمینی بزرگ‌تر شود و فرصت رگولاتوری دارایی‌های دیجیتال از دست برود.

بنابراین الزام این حوزه بسیار روشن و شفاف است و در صورت از دست دادن زمان مانند این می‌ماند که برای خارجی‌ها فرش قرمز پهن کرده‌ایم.

۱. جدای از اطلاق نادرست «رمزارز» به همه اقسام «رمزارزش‌ها» که براستی مسبب اصلی بسیاری از واکنش‌های ناپخته، نامنسجم و ناهماهنگ به این فناوری‌ها و دستاوردهای ارزشمند آنها بوده، وجود تفاوت‌های اساسی در ماهیت و کارکرد افزارها و ابزارهای گوناگون این فناوری‌ها، هرگونه همسان‌سازی و یکسان‌نگری را منتفی

می‌سازد و طراحی و اجرای خط‌مشی واحد برای راهبری و مدیریت همه رمزارزش‌ها را به شکست می‌کشاند. اینچنین وضعیتی متولیان، متصدیان و حتی بهره‌برداران را به سردرگمی و گمراهی می‌کشاند و ضروری است علاوه بر نام‌گزینی مناسب برای هریک از انواع رمزارزش‌ها، آن هم از سوی مرجعی مانند کمیسیون عالی تنظیم مقررات، ویژگی‌هایی همچون تمرکز یا عدم تمرکز (توزیع‌شدگی) اعتباردهنده‌ها، مشروط یا معاف‌بودن از تأیید اعتبار و عمومی یا اختصاصی بودن کاربردها مدنظر قرار گیرد.

۲. با اینکه بیشتر رمزارزش‌ها ماهیت و کارکرد اقتصادی دارند و با همین هدف نیز پدید آمده‌اند، اما تفاوت‌های بعضاً بنیادی عرصه‌های مختلف اقتصادی با یکدیگر، بر این افزارهای فناورانه نوین نیز اثر گذاشته و ویژگی‌های متمایز آنها را تا سطوح زیرساختی توسعه داده است. آنچه که در کشور ما با عنوان «رمزارز» نهادینه شده، تنها گونه‌ای از رمزیننه‌هاست که بازارهای «مالی» را هدف قرار داده است. در حالی که برای سایر حوزه‌های اقتصادی و بازارها، گونه‌های دیگری از رمزارزش‌ها طراحی و تولید شده‌اند که هیچ‌سختی با آنها ندارند. ضمن اینکه برخی رمزارزش‌ها نیز اساساً فرابخشی‌اند و برای رفع نیازهای دیگر، مانند ارتقای سطح اعتماد و انکارناپذیری تراکنش‌ها پدید آمده‌اند.

۳. توجه به این تفاوت‌ها و تمایزهای رمزارزش‌ها که شاید پهناوری آنها کمتر از فضای مجازی نباشد، لاجرم یک سیاست‌گذاری منسجم و در عین حال متناسب و منعطف را می‌طلبد و نگاه تک‌بعدی و تک‌سویه، آن هم به دلیل چیره شدن برخی کاربردها در برابر دیدگان سیاستگذاران و پوشیده و پنهان ماندن سایرین، دستاوردی جز وضع خط‌مشی‌های تقابلی و انفعالی و بی‌بهره‌ماندن جامعه از منافع سرشار اینگونه نوآوری‌های فناورانه ندارد. لذا شناسایی دقیق همه رمزارزش‌ها و دسته‌بندی آنها برپایه ویژگی‌ها و شرایط بنیادی - کاربردی آنها، از پیش‌نیازهای نخست سیاست‌گذاری، بویژه در سطح راهبردی انگاشته می‌شود.

۴. از جمله دلایلی که به نظر می‌رسد موجب یکسویه‌نگری و بعضاً منفی‌نگری نسبت به رمزارزش‌ها و مانع سیاست‌گذاری‌های پشتیبان و پیش‌ران آنها شده، ناآگاهی از مبانی و بنیان‌های نظام حقوق داخلی است. علی‌رغم همه کاستی‌ها و نارسایی‌های قانونی فضای مجازی، خوشبختانه حداقل‌های لازم برای یک سیاست‌گذاری راهبردی هدفمند و ضابطه‌مند برای رمزارزش‌ها فراهم است و متولیان و متصدیان بخش‌های مختلف

می‌توانند با اتکای به آنها به توسعه و تکامل این فناوری‌ها و کاربردهای آنها بپردازند و سپس با برجسته کردن نیازمندی‌های عینی‌تر و عملی‌تر قانونی و مقرراتی، سطح و جایگاه نظام حقوقی این حوزه را نیز ارتقاء دهند.

۵. بنیادی‌ترین مسأله حقوقی رمزارزش‌ها که مبنای مشروعیت قانونی آنها نیز بشمار می‌آید، «مالیت» داشتن آنهاست. در این زمینه قانونگذار ما از دیرباز نگاه مترقی و متمایزی به این موضوع داشته و اساساً فرض را بر مالیت داشتن هر چیزی قرار داده است، مگر اینکه به موجب موازین اسلامی بر حرمت آن تصریح شده باشد. با این حال، برای رفع هرگونه شبهه، قوانین اخیرالتصویب با تأکید بر مالیت داشتن چیزهای ناملموس و نامشهود، باب هرگونه ایراد و اشکال اینچنینی را هم بسته‌اند و راه را برای مالکیت بر اینگونه دارایی‌های نوپدید گشوده‌اند. از جمله قوانین قابل ذکر، قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷ است که «مال» را چنین تعریف کرده است:

«ماده ۱. ب - مال: هر نوع دارایی اعم از مادی یا غیر مادی، منقول یا غیرمنقول، مشروع یا غیرمشروع و هر نوع منفعت یا امتیاز مالی و همچنین کلیه اسناد مبین حق اعم از کاغذی یا الکترونیکی نظیر اسناد تجاری، سهام یا اوراق بهادار». البته نکته جالب توجه این ماده آنست که حتی به دارایی‌های نامشروع نیز مالیت بخشیده است!

۶. در خصوص الزام به پشتوانه داشتن یا قراردادن دارایی‌های فیزیکی برای مشروعیت بخشی به رمزارزش‌ها نیز واقعیت آنست که هم‌اینک نمونه‌های دیجیتالی مشابه دیگری در بازار خدمات ارتباطی و فناوری اطلاعات مبادله و معامله می‌شوند که علی‌رغم کلان و گسترده بودن حجم و سطح معاملات آنها، تا این حد حساسیت برانگیز نبوده‌اند. برای نمونه، «پهنای باند»، «حجم اینترنت»، «دامنه اینترنتی»، «فضای رایانشی» و حتی انواع «نرم‌افزارها»، هیچ‌یک ماهیتی روشن‌تر و بی‌شبهه‌تر از رمزارزش‌ها ندارند. لیکن خرید و فروش آنها منوط و مقید به چنین شرطی نشده است. اگر چنین شرطی برای احراز و اثبات مالیت آنهاست که اساساً قانونگذار همه اینها را رسمیت بخشیده و معاملاتشان را مباح دانسته است. اگر برای منفعت عقلایی آنهاست که خرد جمعی بر آن صحه می‌گذارد و سوءاستفاده‌آمیز بودن احتمالی آنها دلیل بر رد منافع عقلایی آنها نیست که اگر چنین است، نمونه‌های بسیار

دیگری را هم می‌توان برشمرد که از پتانسیل بیشتری برخوردارند و مراجع ذی‌ربط متعرض آنها نگشته‌اند.

۷. درخصوص رمزینه‌های با کارکرد پرداخت یا همان رمزارزها در معنای خاص، وجه مشترک همه نظام‌های حقوقی آن است که تنها ابزارهایی را به عنوان «پول» یا «وجه رایج» یا «ارز ملی» می‌شناسند که از سوی یگانه مرجع صلاحیتدار حاکمیتی، یعنی بانک مرکزی یا نهاد خزانه‌داری تولید و عرضه شده باشد. در غیر این صورت، هرچیز دیگری، ولو با عناوین مشابه از سوی آن مرجع یا دیگران تولید و عرضه شود، از چنین اعتباری برخوردار نخواهد بود و حتی اگر جامعه به آنها اقبال بیشتری نشان دهد و در سطح گسترده‌تری نیز به عنوان ابزار پرداخت بکار برد. برای نمونه، انواع مسکوکات فلزی غیرپولی یا اوراق بهادار یا حتی سایر دارایی‌های منقول و غیرمنقول، چنانچه مبنای سنجش، ذخیره‌سازی و انتقال ارزش قرار گیرند، اساساً با ممنوعیت یا محدودیتی روبرو نیستند. اما اینکه احتمال دارد یگانگی پول یا وجه رایج ملی به عنوان تنها ابزار برای ذمه اشخاص تضعیف یا متزلزل شود (بند «ب» ماده (۲) قانون پولی و بانکی کشور، مصوب ۱۳۵۲)، بحث دیگری است که حاکمیت باید به شکل دیگری آن را ترمیم و تثبیت نماید و نمی‌تواند به این بهانه، بخشی از دارایی‌ها و دادوستد مشروع شهروندان را ممنوع یا محدود سازد. بویژه اگر چنین اقدامی به کاهش ارزش دارایی‌های آنها بیانجامد یا بدتر از آن، بخش مهمی از سرمایه‌شان را از دست بدهند (اصل چهلیم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). در این صورت، در برابر زیان مالی شهروندان مسؤول است و باید آن را جبران نماید. لذا راهکار منطقی برای ساماندهی رمزینه‌های با کارکرد پرداخت آنست که شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی به عنوان متولیان بازار مالی کشور، رأساً تمهیدات لازم را برای تولید و عرضه رمزینه‌های «ریالی» اتخاذ و در کنار آن، رمزینه‌های مشابه را (چنانچه در مفهوم ارز خارجی نمی‌گنجد) به عنوان کالاهای دیجیتالی قابل معاوضه در معاملات برسمیت شناسند (ماده ۴۶۴ قانون مدنی). بویژه آنکه به تصریح قانونگذار، چنانچه بکارگیری و بهره‌برداری از این افزارهای فناورانه با ایراد شرعی روبرو نباشد، نباید از سوی تنظیم‌گران بازار پول، پرداخت و بانکداری کشور با مانع دیگری روبرو شود (ماده ۱۶ قانون برنامه ششم توسعه).

۸. درخصوص رمزارزش‌های مبتنی بر دارایی یا سرمایه‌ای که نمونه‌های دیجیتالی همان «ابزارهای مالی» موضوع قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران شناخته

می‌شوند، طبق تعریف بند «۲۴» ماده (۱) این قانون، از آنجا که اینگونه رمزارزش‌ها می‌توانند «متضمن حقوق مالی قابل نقل و انتقال برای مالک عین و یا منفعت آن» باشند، از همان مشروعیت قانونی برخوردارند و مراجع ذی‌ربط - شورای عالی و سازمان بورس و اوراق بهادار - موظفند ضوابط و مقررات اجرایی لازم را برای کاربست آنها در بازار سرمایه پیش‌بینی نمایند (بند «۴» ماده (۴) همان قانون).

۹. علاوه بر این، برای اثبات پیشگامی نظام حقوقی ما در پذیرش رمزین‌های دیجیتالی به عنوان ابزارهای مالی نوین بازار سرمایه، کفایت اعتبار قانونی آنها در حوزه حساسیت‌برانگیز معاملات املاک مورد توجه قرار گیرد. طبق ماده (۱۱۴) قانون برنامه ششم توسعه: «سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موظف است تا پایان سال دوم اجرای قانون برنامه نسبت به راه‌اندازی و ساماندهی دفتر املاک کشور به صورت الکترونیک اقدام نموده و کلیه معاملات راجع به املاک و اراضی را در آن به صورت آتی و الکترونیکی به نحوی ثبت نماید که امکان ثبت معاملات به صورت لحظه‌ای و برخط در دفتر املاک و نیز پاسخ آتی و برخط در همان لحظه به استعلامات فراهم باشد. دفتر مذکور پس از تکمیل جایگزین دفتر املاک موجود و در حکم آن خواهد بود.» به این ترتیب، نه تنها هیچ مانعی پیش روی معاملات املاک، اعم از عین یا منافع آنها با بهره‌گیری از رمزین‌های دیجیتالی نیست، بلکه الزام قانونی قابل‌اعتنایی نیز بر آن حکم فرماست.

۱۰. علاوه بر ابزارها، قانونگذار پیش‌بینی لازم را درباره بازارهای اختصاصی آنها نیز به عمل آورده و در قانون بازار اوراق بهادار صراحتاً به «بازارهای الکترونیکی خارج از بورس» پرداخته است (بند «۸» ماده (۱)). موضوعی که متأسفانه کماکان از سوی مرجع ذی‌ربط با انکار و امتناع روبروست. حال آنکه قانونگذار از این آشکارتر نمی‌توانست بر اعتبارپذیری یا دست‌کم اعتبارسنجی بازارهای نوین ابزارهای مالی دیجیتالی صحنه بگذارد و بر آن تأکید نماید.

۱۱. درخصوص رمزین‌های کاربردی، بویژه رمزین‌های احراز هویت یا وضعیت یا سندیت اشخاص و اشیاء، علاوه بر اینکه ویژگی‌ها و شرایط برشمرده در قانون تجارت الکترونیکی برای امضاء و سابقه الکترونیکی مطمئن به خوبی با رمزین‌های مبتنی بر فناوری دفتر کل توزیع شده (بلاکچین) انطباق دارند (مواد ۱۰ و ۱۱ قانون)، سایر قوانین، بویژه قانون برنامه ششم توسعه (بند «ج» ماده ۶۷)، بر لزوم اعتباربخشی به



زیرساخت‌ها و کاربردهای فناورانه در بخش خدمات عمومی و دولت الکترونیکی و هم سایر تصدی‌ها تأکید دارند؛ موضوعی که متأسفانه همچنان مورد عنایت مراجع ذی‌ربط قرار نگرفته است.

۱۲. با این حال، کارآیی و اثربخشی حداکثری رمزارزش‌های دیجیتال و هم‌زمان دورماندن آنها از سوءاستفاده‌ها و آسیب‌های احتمالی عرصه‌های خرد و کلان بخش‌های مختلف، بویژه اقتصاد کشور، مستلزم آنست که زیست‌بوم و چرخه حیات آنها به شکل جامع نگرینسته و قواعد و مقررات آن بطور یکپارچه پیش‌بینی شود و تحمیل و تجویز دیدگاه‌های حاکمیتی ناقص و نارسا به مجموعه‌هایی که مدت‌هاست الگوها و مراحل تکاملی خود را پشت سر گذاشته‌اند، غیرواقع‌بینانه و غیرمنطقی انگاشته می‌شود. به بیان دیگر، اگرچه رویکرد «همه یا هیچ»، درباره این فناوری‌ها و کاربردهای آنها اعتبار خویش را از دست داده و هم‌اینک تنها باید درباره چگونگی رسمیت‌بخشی و عینیت‌بخشی به آنها سخن گفت، لیکن پیامدهای زیان‌بار نفی کلی این فناوری، به مراتب کمتر از خط‌مشیی است که برای مثال، استخراج رمزارزش‌ها را مجاز، اما هرگونه معامله آنها را غیرمجاز می‌شمارند. در این مورد خاص، نه تنها چنین حکمی خلاف قانون و قابل ابطال است، بدتر آنکه به اعتبار حاکمیت لطمه می‌زند و ناتوانی آن را در مدیریت عرصه‌های نوین و نوآورانه آشکار می‌سازد.

۱۳. درخصوص نقش و جایگاه بخش غیردولتی در توسعه و ارتقای زیرساخت‌ها و کاربردهای رمزیننه‌های دیجیتال و همچنین خدمات مبتنی بر آنها، علاوه بر سیاست‌های کلی نظام، قوانین متعدد و مختلفی قابل ذکرند که در آنها به متصدیان غیردولتی اولویت داده شده است. جالب توجه آنکه حتی در مواردی که استثنائاً قانونگذار بخش دولتی را به عنوان متصدی یک خدمت خاص معرفی کرده (مانند بند «ب» ماده ۴۹ قانون برنامه پنجم توسعه)، با انقضای آن قانون، مجدداً حکم دایمی مبنی بر منع ورود نهاد دولتی به تصدی‌های مذکور برقرار شده است. در غیر این صورت، چاره‌ای جز شکایت از نهادهای متخلف به موجب قوانینی همچون «قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار» نزد مراجع صلاحیتدار قضایی باقی نخواهد ماند.